

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۵/۰۱

نویسنده: ن. جلیل زاد

روح نهضت امانی؛ بازتاب روشن وجدان ملی ما



شاه امان الله

روح نهضت امانی برای « من » و « ما » مهم است شصت و پنج سال از خاموشی سردار آزادی، شاه امان الله خان، می گذرد؛ اما نام و پیام او هنوز زنده است، چون آتشی در دل خاکسترزده تاریخ ما، چون فانوسی در شب های تاریک وطن، چون فریادی در گوش وجدان خاموش ملت. امروز، بیش از هر زمان دیگر، ما نیازمند فهم آن روح بزرگ، آن آرمان روشن و آن نهضت برخاسته از اعماق مردمیم؛ نهضتی که نه تحفه بیگانگان بود، نه برگرفته از کتب ترجمه شده شرق و غرب، بلکه زاده درک خودی و وجدان بیدار فرزندان این خاک بود.

نهضت امانی، در ذات خود، نخستین تجربه وطنی مدرنیته، عدالت، آزادی و همبستگی اقوام افغانستان بود.

نه حزبی بر آن سلطه داشت، نه طایفه ای آن را به نام خود زد.

از هرات تا بدخشان، از قندهار تا ننگرهار و کنر و لغمان، صدای آن شنیده شد؛ نهضتی که همه اقوام، زبان ها، مذاهب و طبقات در آن سهم داشتند و خود را در آن می دیدند.

شاه امان الله، نه به عنوان پادشاه، بلکه به مثابه یک رهبر آگاه و مسئول، رنج مردم را دریافت، کرامت شان را شناخت و با تکیه بر اراده جمعی، بنای دولتی نوین را گذاشت؛ دولتی که نه در بند استعمار بود و نه اسیر جهالت.

امروز، در روزگاری که طرح های وارداتی از هر سو بر ما فرود آمده اند از سوسیالیسم های سرد و بی روح گرفته، تا اسلام گرایی های متحجر، و از دموکراسی های آلوده به فساد و مافیای تا نظام های پوشالی وابسته به بیگانه، هیچ یک نتوانسته اند ریشه بزنند، چون با خاک و خون و روح مردم بیگانه بودند.

اما نهضت امانی، یگانه تجربه ای است که از دل این ملت برخاسته بود، با آگاهی تاریخی، با شجاعت اخلاقی، و با عشق به آینده ای بهتر.

نهضت امانی با استقلال آغاز شد؛ استقلالی که نه فقط رهایی از سلطه بریتانیا، بلکه اعلام رسمی کرامت ملت افغانستان بود. امان الله نشان داد که استقلال واقعی، نه در شعار، بلکه در ساختن مکاتب، فرستادن محصلان به جهان، اصلاح نظام قضایی، گسترش مطبوعات، و مشارکت همه اقوام در ساختار دولت معنا دارد.

او خواست چهره سنتی دولت را به دولتی قانونی، ملی و مشارکتی بدل سازد.

نهضت پیشرونده امانی شکست نخورد، بلکه توسط استعمار سرکوب شد و در درون، به دلیل فشار ساختارهای فرسوده سنتی و برخی اشتباهات، موقتاً از نفس افتاد.

اما نه آن شکست، بلکه همین سرکوب و حمله، یورش یا هجوم شدید، نشان داد که چقدر این نهضت خطرناک بود برای کسانی که نمی خواستند افغانستان مستقل، مترقی، متحد و آگاه باشد.

با این حال، صدسال پس از آن رويا، هنوز هم این نهضت زنده است؛ چون مردم افغانستان آن را فراموش نکرده اند.

درد مشترک اقوام افغانستان، حسرت از غیاب نهضت امانی است. مردم فهمیدند که آن نهضت، آن دولت، فقط متعلق به یک قوم یا یک منطقه نبود، بلکه تجلی اراده جمعی تمام افغان ها بود. سیاست های آن نه مبتنی بر تبعیض، بلکه بر

برابری و عدالت قومی بود.

و امروز، اگر ما به دنبال تفاهم ملی و وحدت واقعی هستیم، هیچ الگویی روشن تر از نهضت امانی نداریم.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

بازگشت به نهضت امانی، بازگشت به ریشه‌های خودی است .
این نهضت به ما می‌آموزد که می‌توان اسلام را در کنار آزادی داشت؛ می‌توان دموکراسی را از درون سنت خود آفرید؛ می‌توان دولت را نه با زور سر نیزه، بلکه با مشارکت فعال و قانونمند تمام مردم ساخت. راه رهایی از فقر، فساد، تجزیه و بی‌هویتی، نه در تقلید کورکورانه از مدل‌های وارداتی، بلکه در احیای تجربه‌هایی است که مردم آن را تجربه کرده‌اند و به آن باور دارند.

نهضت امانی نشان داد که استقلال ملی منافاتی با تعامل بین‌المللی ندارد .
افغانستان می‌تواند با کشورهای جهان، حتی قدرت‌های بزرگ، رابطه‌ای متساوی‌الحقوق داشته باشد، به شرط آنکه خود را بشناسد، از درون قدرتمند باشد، و در پای منافع ملی‌اش بایستد .
این همان درسی است که دولت امانی با عزت و سربلندی به ما داد.

امروز، وقتی حاکمیت ما در دست وابستگان، جاسوسان، مبلغان کشورهای همسایه و مهره‌های استعمار نو افتاده، وقتی سفارتخانه‌های خارجی در تصمیمات کلان ما حق و تو دارند، وقتی مرزهای کشور ما معنای حاکمیت را از دست داده‌اند، بیش از هر زمان دیگر، ما به الگوی امانی نیاز داریم الگویی برای بازسازی قدرت ملی، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و عدالت اجتماعی.

نهضت امانی، تجربه‌ای یکبار مصرف نبود؛ روحی زنده و تاریخی جاری است .
این روح را می‌توان با درایت، عقلانیت و اصلاح در شرایط امروز دوباره زنده کرد .
ما حق داریم از اشتباهات آن دوره یاد کنیم، اما این حق نباید زره‌ای از احترام ما به آن نهضت تاریخی و آن وجدان ملی بکاهد .

بلکه باید آن را به گونه‌ای پویا بازخوانی کنیم، تا از آن، نسخه‌ای قابل تطبیق برای امروز و فردای افغانستان بسازیم. بازگشت به نهضت امانی، یعنی بازگشت به خویشتن. یعنی باور به این‌که ملت افغانستان، اگر بخواهد، می‌تواند با اتکا به ظرفیت‌های خود، با روحیه ملی، با اعتماد به نفس، و با پیوندهای تاریخی و فرهنگی‌اش، دوباره سربلند شود .
ما به الگویی نیاز داریم که از خودما باشد، به مردم ما نزدیک باشد، و توانایی اتحاد و پیشرفت را در دل خود داشته باشد .

این الگو، نه در شعارهای مهاجمان و مزدوران، که در نهضت امانی نهفته است.
نهضت امانی، نه فقط گذشته‌ما، بلکه آینده‌ماست.